یادداشت روز

قیمت نردبان شیطان

حمله دشمن به بعضی نهادها به این معنا نیست که «هویت» در کارزار دشمنی یک امر غیرمهم و یا ثانویه است. اگرنه، مثل این است که وقتی دشمن به برجک یک فرودگاه نظامی حمله می‌کند، بگوییم دشمن با فرودگاه و ارتش ما کاری ندارد! تنزل موضوع دشمنی علیه بنیان‌ها به دشـــمنی علیه نهادها، نوعی تغافل یا غفلت به حساب می‌آید. اگر کسی در این تردید داشته باشد که آمریکا، اروپا و عوامل منطقه‌ای آنها نمی‌خواهند از اساس چیزی به نام جمهوری اسلامی وجود داشته باشد، باید به پزشک مراجعه کند چرا که دچار بی‌حسی شده و اولین آثار یک بیماری مهلک در او پدیدار گردیده است.

البته در این هم تردید نداریم که برای غرب، این شـــخص با آن شـــخص و این گروه با آن گروه تفاوت‌هایی دارد اما این تفاوت‌ها و فاصله‌گذاری‌ها در حدی نیست که روی اصل دشمنی با نظام تاثیری بگذارد. در این خصوص گفتنی‌هایی وجود دارد:

۱- آمریکا و رژیم صهیونیستی در طول این ۳۹ سال بنابر آنچه مکرر اظهار کرده‌اند، از سوی هیچ قدرتی به اندازه جمهوری اسلامی ضربه نخورده‌اند و این در حالی است که در اکثر این مدت در ایران در منصب ریاست‌جمهوری کسانی بوده‌اند که نگاه آنچنان بدی هم به آمریکا و رژیم صهیونیستی نداشته‌اند. همین امروز هم وقتی روی یک فروند موشک نوشته شود مرگ بر اسرائیل بعضی تاب نیاورده و آن را برهم زننده سیاســـت‌های خویش به حساب می‌آورند. در یک زمانی یک جریان در ایران پا پیش گذاشـــت و حزب‌الله لبنان را متقاعد کرد تا متجاوزین آمریکایی که به زندان افتاده بودند را آزاد کند که این اقدام بدون عمل آمریکا به تعهد متقابلی که داده بود، انجام شد اما همین رئیس دولت از سوی آمریکایی‌ها به عنوان «تروریست» معرفی شد.

در بین رؤسای‌جمهور ایران، هیچکس به اندازه سیدمحمد خاتمی در جهت برداشتن دیوار بی‌اعتمادی آمریکا نسبت به ایران تلاش نکرد و هیچ ادبیاتی به اندازه ادبیات او به ادبیات آمریکا نزدیک نبود اما او هم در دوره دوم ریاست‌جمهوری خود مورد عنایت آمریکا قرار نگرفت و به واسطه او، آمریکا نه تنها تلاشی برای جبران ظلم‌ها و یا اصلاح رفتار خود نکرد بلکه در دوره دوم ریاست‌جمهوری خاتمی، ایران را «محور شـــرارت» نامید و مدعی شد که ایران از تروریزم حمایت می‌کند و درصدد دســـتیابی به سلاح‌های کشتار جمعی می‌باشد! در دولت روحانی نیز که اساسا حل مسائل ایران با آمریکا به گونه‌ای که برای دو طرف رضایت‌بخش باشد، با جدیت دنبال شد و این دولت یکی از عجیب‌ترین قراردادهای بین‌المللی را امضا کرد، باز هم آمریکا حاضر نشد هیچ امتیازی به دولت روحانی بدهد. علت آن کاملا واضح است؛ بله آمریکا وجود دولتی را که به تحمیل‌ها تن دهد، به دولتی که اهل مقاومت باشد، ترجیح می‌دهند اما از آنجا که با نظام و ملت ایران طرف هستند، از اعمال فشار بر ایران نمی‌کاهند.

۲- یکی از طـــرح فریب‌های آمریکا این اســـت که وقتی در ریاست‌جمهوری ایران فردی بالنسبه متمایل به غرب سر کار می‌آید و اهل امتیاز دادن است، وانمود می‌کند که فشار به مردم ایران سبب دست برداشتن آنان از انسان‌های ایدئولوژیک و روی آوردن آنان به عملگرایان شده است! اما نتیجه چنین تحلیل و جمعبندی، هیچگاه این نبوده که پس حالا کمی با ایران مدارا کنیم و از میوه‌ای که رسیده است، بهره ببریم. در چنین شرایطی جمعبندی دشمن این است که فشـــار اقتصادی و سیاسی بر ملت ایران نتیجه داد پس ملت ایران در برابر فشار زانو می‌زند پس هرچه فشار بیشتر، عقب‌نشینی ایران از منافع خود بیشـــتر خواهند شد. به این نمونه عینی توجه کنید، بـــاراک اوباما در پایان عمر دولت نهم دومین نامه خود را خطاب به رهبر معظم انقلاب نوشـــت و در آن بر لزوم بازسازی روابط ایران و آمریکا تاکید داشـــت چرا که در این مقطع، جمعبندی آمریکا این بود که ایران دارای ثبات است و امکان غلبه بر آن از طریق اقدامات ســـخت وجود ندارد و لذا لاجرم باید به «راه نرم» فکر کرد. در این مقطع از منظر آمریکا برقراری رابطه سیاسی با ایران، کلید نفوذ در ایران و مدیریت آرام تحولات سیاسی - اجتماعی آن است. اما کمی بعد و زمانی که به دلیل فتنه ۸۸ چشم‌انداز ثبات ایران تغییر کرد و آمریکایی‌ها گمان کردند آشوب‌های خیابانی کار نظام را می‌سازد، حمله نظامی به ایران را در دســـتور کار قرار دادند اما کمی بعد که اوضاع تحت کنترل نظـــام درآمد، آمریکا از حمله منصرف و دچار بحران تصمیم‌گیری شد. پس کاملا واضح است که تهدید نظامی ایران از سوی آمریکا رابطه مستقیمی با شرایط بی‌ثبات و روی کارآمدن دولت‌هایی که چالش ایدئولوژیک با نظام جمهوری اسلامی داشته باشند، دارد. اما پیش از آنکه دولتی همگرا در ایران بر سر کار آید، آمریکا در تبلیغات سیاسی وانمود می‌کند که آنچه باعث نگرانی غرب از ایران می‌شود، اسلام و نظام اسلامی آن نیست بلکه افراط‌گرایانی هستند که محو رژیم اسرائیل و عقب راندن نیروی نظامی آمریکا از منطقه را دنبال می‌نمایند.

۳- اینکه دشمن برای رسیدن به اهداف پلید خویش به تحریف واقعیت روی می‌آورد، چندان غیر طبیعی نیست اما اینکه کسانی در داخل ایران وانمود کنند که آنان می‌توانند با ادبیات مناســـب و پرهیز از درشت‌گویی علیه غرب، دیوار بی‌اعتمادی آمریکا و اروپا نسبت به ایران را کوتاه کرده و سرمایه‌های آن‌ها را در خدمت تولید و سرمایه‌گذاری‌های دراز مدت درآورند، عجیب است. کاش این آقایان لیستی از نتایجی که در پیگیری سیاست نزدیکی به غرب بدست آورده‌اند را منتشر می‌کردند تا ما هم بتوانیم باور کنیم که مشکل غرب اصل نظام و مردم متمدن ایران نیســـت بلکه تفکر و ادبیات کسانی است که نمی‌خواهند با غرب کار کنند.

وقتی هفته پیش آقای دکتر محمد جواد ظریف در مصاحبه خود بـــا صراحت گفت که آمریکایی‌ها هم متن و هم روح برجام را نقض کرده‌اند چه جای تردید که دولت آمریـــکا ملت ایران را در دوره روحانی بیش از دولت احمدی‌نژاد تحت فشار قرار داده است. این قلم به جد معتقد است که تا زمانی که ملتی بنام ملت ایران وجود دارد، آمریکا به جبران ضربات مهلکی که از آن خورده است، آن را مورد انکار و اهانت قرار می‌دهد. در این بین اگر مردم ایران به هر دلیلی به کاندیدایی رأی دهند که در تبلیغات گمراه کننده غرب، در نقطه مقابل نظام جمهوری اسلامی معرفی شده است، ولو اینکه- به فرض محال- این فرد سرکرده جبهه ملی ایران - یعنی دورترین گروه از نظام- هم باشد، نه تنها از فشار غرب خلاصی نخواهند داشت، بلکه با افزایش فشار هم مواجه می‌شوند. در جریان نهضت نفت، آمریکا و انگلیس برابراســـناد تاریخی، از بین جبهه ملی و فدائیان اسلام، جبهه ملی را ترجیح می‌دادند اما در عین حال وقتی این دو طیف از هم جدا شدند، آمریکا و انگلیس با استفاده از «بدنام‌ها» کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ را علیه رهبر جبهه ملی راه انداختند. پس کاملاً واضح اســـت که ترجیحات تبلیغاتی و رسانه‌ای غرب هیچ ربطی به نگاه آمریکا به نظام و مردم ایـــران ندارد بلکه در این تبلیغات، آمریکا دنبال نردبانی برای فایق آمدن بر ملت ظلم‌ستیز ایران است و آنان که اهل مماشات هستند حداکثر در حد نردبان مورد توجه «شیطان بزرگ» قرار می‌گیرند.

۴- فراتر از نظام جمهوری اسلامی، آمریکا واقعاً به «اسلام» کار دارد. در این میان مواجهه غرب علیه بخشـــی از مسلمانان با گروه معینی- مثل القاعده و...- نیست با اصل اسلام کار دارند. آتش زدن قرآن توسط کشیش جونز در یک کلیسای پایتخت آمریکا و اهانت به پیامبر اسلام در چند روزنامه اروپایی- ماجرای شارلی ابدو- کاملاً نشـــان داد که آنان با اصل اسلام کار دارند. همین هفته پیش یک روزنامه اروپایی نوشت میان آنچه توسط داعش تعلیم داده می‌شود با تعلیمات جامعه‌الازهر مصر تفاوتی وجود ندارد! و حال آنکه همه می‌دانند اگر داعش مظهر افراط‌گرایی در جهان اسلام باشد، دانشگاه الازهر مظهر تســـامح دینی است. پس اگر غرب دعوای خود علیه اســـلام را زیر پوشش مبارزه با تروریزم و داعش ببرد نباید ما را از اصل دعوایی که با اسلام اصیل در همه جلوه‌های رحمانی و جهادی آن دارد، غافل گرداند.

سعدالله زارعی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

اتاق عملیات افراطیون چه خوابی برای روحانی دیده‌اند؟!

سرویس سیاسی-

اتاق عملیات افراطیون یعنی همان‌هایی کـــه در ظاهر همواره شعار دموکراســـی سر می‌دهند خوابهای آشفته‌ای برای روحانی دیده‌اند که بازتولید فضای ملتهب پس از انتخابات سالهای گذشته و شایعه‌سازی و بر هم زدن قواعد رقابت سیاسی از جمله آن موارد است.

مناظـــره دوم نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در حالی برگزار شد که در مناظـــره اول نمایندگان دولت چندان شرایط خوبی نداشتند. مناظره دوم اما وضعیت برای نمایندگان دولت بدتر شد. انتقادهای سیدابراهیم رئیسی، قالیباف و میرســـلیم عملا نمایندگان دولـــت بی‌کارنامـــه را در حالتی قرار داد که متاسفانه آنها به حاشیه‌سازی روی آوردند.

پـــس از مناظـــره در روزنامه‌های حامـــی دولت دیگـــر آن حال و هوای پس از مناظره نخســـت دیده نمی‌شد. این روزنامه‌ها پس از مناظره نخســـت بـــا آب و تاب فـــراوان در تلاش بودند تا با ترفند رســـانه‌ای «وانمود»سازی از مناظـــره نمایندگان تدبیر و امید را پیروز نشـــان دهند. امـــا حال و هوای مناظره دوم چنان شد که دیگر حتی آن خط پیشین قابل پیگیری نبود، لذا این بار سیر مظلوم نمایی از یک طرف و پروژه‌ســـازی برای تخریـــب و ترور شخصیت نامزدهای مقابل پیگیری شد.

دولت پاسخگو یا دولت مطالبه‌گر؟!

دولتـــی که کارنامـــه قابل دفاعی نـــدارد، دولتی کـــه وعده‌های محقق نشده بسیاری دارد، دولتی که به جای پاسخگویی منتقدان را با الفاضی نظیر «بی شناسنامه» یا «بروید به جهنم» نواخته است. دولتی که چهار سال انشا برای مردم خوانده است و... باید هم این گونه شود که در روزی مانند مناظره‌ها و در مقابل انتقادهای درست و مستدل کم بیاورد و راه گریز را در حاشیه‌سازی و کشاندن بازی به حاشیه ببیند.

پـــس از مناظره دوم و مســـایلی که در آن مناظره مطرح شـــد دولت و حامیانش و اتاق فکر آنها چه چاره‌ای جز این می‌توانســـتند داشته باشند؟! وقتی مسند قدرت آنقدر مهم باشد که اخلاق و مصالح کشور نیز تحت‌الشعاع آن قرار گیرد نتیجه این می‌شـــود که دولتی که ۴ســـال قـــوه مجریه را در اختیار داشته است به جای آنکه خود را موظف به پاسخگویی بداند در مقام مطالبه گر ظاهر می‌شود. شاید بتوان گفـــت که این نوع فـــرار رو به جلو در ادوار گذشته انتخابات ریاست جمهوری بی‌سابقه است.

حاشیه‌ســـازی و کشیدن مباحث و مسایل به حاشـــیه با هدف مه آلود کردن فضا انجام می‌شـــود. چرا که در فضای غبارآلود تشـــخیص امور اصلی از مسایل حاشـــیه‌ای سخت می‌شود. از طرفی طرح این مسایل رقابت سالم انتخابات را به یک بازی فرسایشی برای رقیب تبدیل می‌کند. مشاوران دولت و اتاق فکر آنها در صدد هستند تا با طرح این مسایل فرصت رقبا را به پاسخگویی به آنها بگیرند. در نتیجه نامزدها کمتر برای تبیین برنامه‌هـــای خود و طرح انتقاد از کاســـتی‌های دولت یازدهم را می‌پردازد.

حاشیه‌سازی علیه متن

بر پایه گزارش‌های رسیده، بعد از انجام مناظره دوم کاندیداهای ریاست جمهوری، اعضای اتـــاق فکر دولت با حضور برخی از وزرا و مشاورین چون آقایان رحمانی فضلی، واعظی، علوی، نعمت زاده، ترکان و نوبخت تشـــکیل جلسه داده و روند و بازخورد مناظرات را مورد بررسی و تحلیل قرار داده اند.

اعضـــای جلســـه از رونـــد کلی مناظرات اظهار نارضایتی کرده‌اند ولی برخی معتقد بوده‌انـــد اوضاع چندان نگران‌کننده هم به نظر نمی‌رسد و آرای آقای روحانی ریزش آنچنانی نداشـــته ضمن اینکه میزان رای آقای قالیباف هم ثابت بوده است.

حجت‌الاسلام علوی وزیر اطلاعات، با اشـــاره به تزلزل رای روحانی اظهار داشته: خارج از بحث مناظره، روندی که ما در نظر سنجی‌های خودمان داشتیم یک مقدار نگران‌کننده است.

در نظـــر ســـنجی‌ها آرای آقـــای روحانـــی تقریبا حول ۳۲ تا ۳۶ درصد بوده است و آقای قالیباف ۱۵ درصد و حجت‌الاسلام رئیســـی نیز ۱۲ درصد بوده که بعد از ثبت نام آقای رئیســـی در انتخابات، آرای او به ســـرعت رشد کرده اســـت. با این اوصاف اگر جریان مقابل دولت بخواهـــد به یک ائتلافی برسد موضوع نگران‌کننده خواهد شد لذا ما باید فکر اساســـی کرده تا آرای خاکســـتری را به نفع آقـــای روحانی تحریک کنیم.

برنامه اتاق عملیات افراطیون

مدیر مســـئول کیهـــان دیروز در مصاحبـــه‌ای گفت: «هرچـــه به زمان برگزاری انتخابات نزدیک‌تر می‌شویم، این احتمال قوت بیشتری می‌گیرد که اعضاء اتاق عملیات پشت‌صحنه آقای روحانی، انتخابـــات را فقط یک بهانه می‌دانند و هدف نهائی آن‌ها بیرون از دایره انتخابات تعریف‌شـــده است. این نکته از اظهارات ساختار شکنانه آقای روحانی به‌وضوح قابل‌فهم است.»

تیم عملیات روانی اتاق فکر حامیان دولت که عمدتا از افراطیون تشـــکیل شده اســـت به این نتیجه رسیدند که فعلا رای روحانی در کل کشور حداکثر ۳۵درصد و در تهران حداکثر ۳۹درصد اســـت و این یعنی کار دولت یازدهم تمام است. طبیعی است که در چنین حالتی به دســـتورالعمل‌های جدیدی اندیشیده شود.

این دســـتورالعمل‌ها در برگیرنده مواردی از این دست بود: «از دختران جوان و بد پوشـــش بـــرای جلب رای جوانان استفاده کنیم! موتور شایعه و دروغ را کـــه در حـــال حاضر به عهده کانال... [یکی از کانال‌هایی که از خارج از کشور مدیریت می‌شود] گذاشته ایم به فضای عمومی کشور بکشانیم و این ممکن نیســـت مگر با اقداماتی مانند خودزنی و آتش زدن ستادهای خودی در تهران و شهرستانها.»

سوءاستفاده از روستائیان

اما از دیگر تمهیداتی که این اتاق فکر اندیشیده سوءاستفاده از مردمان پاک و ساده دل روستاهاست که تیتر روز گذشته کیهان نیز به این موضوع اختصاص داشت. این توصیه شامل این است که «کادرهای اداری استانداری‌ها و دولتی‌ها را به روستاها بفرستیم و به روستائیان بگوئیم رای همه شهرهای بزرگ با روحانی است و مراقب باشید که حتما به روحانی رای دهید چراکه اگر رای روستا به فرد دیگری باشد در چهارســـال بعد روحانی لج می‌کند و بودجه روستاها را کم می‌کند.»

دیگر توصیه این اتاق‌های فکر که در این مدت نیز شـــاهد آن بودیم این است که مرتب تکرار شود که اگر رقبای روحانی رای بیاورند دوران بگیر و ببند و ســـرکوب در داخـــل و دوران انزوا و جنـــگ و درگیری در حـــوزه خارجی ایجاد می‌شود.

بازتولید درگیری‌های نمایشی

ضمن آنکه توصیه اکید آنها برای چاشنی جنگ روانی این است که «تا می‌توانید مظلوم‌نمایی کنید.»

ضمن اینکه این افراطیون مطابق دســـتورالعملی که پیش از این هم آن را اجـــرا کرده‌اند و در این انتخابات نیز شاهد آن بوده ایم توصیه می‌کنند که «از هر امر شـــری که حامیان انقلاب اســـلامی را عصبانی می‌کند اجتناب نکنید. دروغ بگوئید. به ارزش‌ها توهین کنید. از ضدانقلاب و فتنه گران به نیکی نام ببرید....»

دیگر برنامه ایـــن جماعت از این قرار است که دسته‌ای با عنوان حامیان دولـــت راه انداخته شـــود و در مقابل دســـته بدلی از لباس شـــخصی‌ها با ظاهری حزب‌الهی درست کنند که به این عده حمله ور شـــوند. یعنی به این طریق فضای ۸۸ را بازتولید شود تا جو احساسی و هیجانی را برانگیزند.

باید توجه داشت که این تاکتیک‌ها زمانی اتخاذ می‌شـــوند کـــه مدعیان مانند سال ۸۸ به شکست قطعی خود اطمینان داشته باشند. همان‌هایی که شعارهای زیبای تمکین به رای مردم را ســـر می‌دهند اگـــر ببینند که رای مردم خلاف خواســـته آنهاســـت تاب نخواهنـــد آورد و همانطور که پیش از این تاب نیاوردند.

گفت و شنود

توی دل!

گفت: آقای مجید انصـــاری، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور ادعا کرده اســـت که «دولت در سال گذشته ۲۱ هزار کارخانه تعطیل شده را فعال کرده است»!

گفتم: کـــدام کارخانه‌ها را؟! چرا نام هیچکدام را نمی‌گویند؟! چون هرچه نگاه می‌کنی، کارخانه‌های بزرگ و معروف را می‌بینی که تعطیل شده‌اند.

گفـــت: البته وزیر صنعت که موضوع کارخانه‌ها در حوزه مســـئولیت ایشان است همین دیروز گفته است؛ سال گذشته ۵ هزار و یکصد کارگاه تولیدی راه‌اندازی شده و ۵ هزار و صد واحد هم تعطیل شده، یعنی نتیجه آن صفر بوده است.

گفتم: نوکری که می‌دانست اربابش از تعریف و تمجید خوشش می‌آید به همسایه‌ها گفته بود؛ ارباب ما هر شب به کره ماه می‌رود و صبح برمی‌گردد. یکی از همســـایه‌ها به ارباب گله کرد و ارباب نوکرش را صدا زد و گفت؛ مرد حسابی! چرا بلوف زده‌ای؟ من کی گفته‌ام که هر شب به کره ماه می‌روم؟ و نوکر گفت؛ قربان! به زبان نیاورده‌ای ولی توی دلت که گفته‌ای!

گزارش خبری-تحلیلی اظهارات جدید ظریف

وزارت خارجه به جای ژست‌های انتخاباتی حقوق ملت را از دشمن مطالبه کند

سرویس سیاسی-

وزارت امـــور خارجـــه کـــه مسئولیت ســـنگینی در دفاع از حقوق ملت ایران بر عهده دارد، در مقابل گستاخی و عهدشکنی‌های مکرر آمریکا به فشـــار ایمیلی و پیام توئیتـــری و گلایه محترمانه بسنده می‌کند اما از سوی دیگر در ایام رقابت‌های انتخاباتی- در نقش روابط عمومی ســـتاد انتخاباتی- بیانیه‌هـــای طولانی و تندی علیه دیگر نامزدها و منتقدان منتشـــر می‌کند.

محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه در مصاحبه با سایت مدعی اصلاحات «انتخاب» گفت: «چرا فراموش کردند تیتر بزرگشـــان را «پرواز هواپیماهای کاغـــذی در فضای انتخابات»؟! آیا این هواپیما کاغذی بود که خودشان رفتند و دراین هواپیما نشستند؟ دوستانی که در هواپیما نشستند، روی بادبادک نشستند و به هوا رفتند؟ هواپیما، کاغذی بود؟ فراموش کردند فرمایشات خودشان را؟ فراموش کردند تیترهای خودشان را؟».

ظریف افـــزود: «دوســـتان ما در داخل می‌گویند که پرواز هواپیماهای کاغذی در فضای انتخابات یعنی دارند بـــه خارجی خط می‌دهنـــد که آقای عزیز و آقای غیرعزیز! شما قرار نیست کـــه این هواپیما را به مـــا بدهید و ما آماده‌ایم که تعهدات شـــما اجرا نشود. این حرفها را دارند می‌زنند. حرفهایی کـــه مکـــرر می‌زنند، دارنـــد به طرف آمریکایـــی می‌گویند ما که خودمان را آماده کرده‌ایم که تو تعهدات برجامی ات را انجام ندهی».

در پاسخ به اظهارات آقای ظریف بایـــد گفت: قرار بود با اجرائی شـــدن برجام، صدها میلیارد دلار از دارایی‌های کشورمان که بلوکه شـــده است، آزاد شود، تمامی تحریم‌ها آنگونه که آقای رئیس‌جمهور بـــه صراحت اعلام کرده بود- در روز اجرای توافق(دی ماه ۹۴)- لغو شود، فروش هواپیما و قطعات آن از تحریم خارج شود، گشایش اقتصادی ایجاد شود، روابط تجاری که لازمه آن گشایش «ال‌سی» در بانک‌های خارجی اســـت از بن‌بست خارج شـــود، چرخ معیشـــت مردم همراه با سانتریفیوژها به چرخـــش درآید، ســـرمایه‌گذاری خارجی صورت پذیـــرد، تورم از میان برداشته شـــود و تولید از رکود خارج شود ولی طرف مقابل ما یعنی ۶ کشور ۵+۱ و مخصوصاً آمریکا به هیچ یک از این تعهدات خود عمل نکرده اســـت و این واقعیت تلخ را مســـئولان بلندپایه هسته‌ای نظیر آقایان روحانی، صالحی، ظریـــف، عراقچی و ســـیف نیـــز انکار نمی‌کنند. اعتراض ما این است که چرا باید آمریکا و ســـایر کشورهای طرف مذاکـــره آن همه تعهدی که در برجام پذیرفته‌اند را با فروش ۲ فروند ایرباس، تمام شـــده اعلام کنند؟! و متأســـفانه برخی از مســـئولان محترم نیز بدون توجه به کلاه گشادی که سر ملت رفته است، این دو فروند ایرباس را دستاورد برجام معرفی کنند و بعضی‌هایشان با آن عکس یادگاری هم بگیرند؟

به گـــزارش ایرنا، ظریف همچنین روز ســـه شـــنبه در همایـــش جامعه جراحان ایران گفت: نباید در تبلیغات کوته نظرانه سیاسی خود برای برخی منافع که چند روز بیشتر دوام نخواهد داشت، عزت مردم را زیر سوال ببریم.

ظریف با توهین به رقبای روحانی و منتقدین، از زیر سوال رفتن عزت ملی سخن می‌گوید. این در حالی است که روحانی همزمان با مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ در اظهارنظری عجیب،اعلام کرد که خزانه خالی اســـت!. همچنین ظریف در اظهارنظری تحقیرآمیز گفته بود:«آمریکایی که با یک بمب می‌تواند سیســـتم دفاعی ما را از کار بیندازد آیا از سیستم دفاعی ما می‌ترسد؟!». حال سوال این است که این اظهارنظرهای نسنجیده مقامات ارشـــد دولت، پیام اقتدار و عزت به دشمن ارسال کرد؟!

این روزهـــا وزارت امور خارجه با بی‌توجهی نســـبت به مسئولیت اصلی خود، در اقدامی غیرقانونی به ســـتاد انتخاباتی روحانی تبدیل شـــده است. خوب است که آقای ظریف و معاونان ایشـــان به جای ایفای نقـــش روابط عمومی ستاد انتخاباتی، فکری به حال بدعهدی‌هـــای آمریـــکا و نقش مکرر برجام داشـــته باشند. نکته قابل توجه این اســـت که وزارت امور خارجه که مسئولیت سنگینی در دفاع از حقوق ملـــت ایران بر عهـــده دارد، در مقابل گســـتاخی و عهدشـــکنی‌های مکرر آمریکا به فشار ایمیلی و پیام توئیتری و گلایـــه محترمانه بســـنده می‌کند اما از ســـوی دیگر در ایام رقابت‌های انتخاباتی- در نقش روابط عمومی ستاد انتخاباتی- حتی روز جمعه نیز بر سر کار حاضر شده و بیانیه‌های طولانی و تندی علیه دیگـــر نامزدها و منتقدان منتشر می‌کنند.

خبر ویژه

آن‌قدر با فساد مبارزه کردند که پینه بست!

حســـن روحانی و اســـحاق جهانگیری در حالی از مقابله با رانت‌خواران و مفســـدان مالی در مناظرات سخن گفتند که فردی مانند کرباسچی در ستاد انتخاباتی این دو سخنرانی و از آنان حمایت می‌کند.

به گزارش مشرق، اسحاق جهانگیری که به عنوان کاندیدای فدایی پوششی، مکمـــل و ضربه‌گیر روحانی پا به عرصه انتخابات ریاســـت‌جمهوری دوازدهم گذاشت این روزها فعالیت انتخاباتی خود را جدی‌تر کرده است. وی تا چندی قبل بیان می‌کرد که ستاد انتخاباتی تشکیل نخواهد داد اما حسین مرعشی، عضو شـــورای مرکزی کارگزاران به عنوان رئیس ستاد وی انتخاب شد و چند روز پیش غلامحسین کرباسچی شـــهردار اسبق تهران در دوران اصلاحات و از محکومان یکی از بزرگترین مفاســـد اقتصادی وقت، به عنوان ســـخنران از جهانگیری و روحانی حمایت کرد و در افتتاحیه ستاد روحانی در اصفهان به مدافعان حرم و شـــهدایی که خونشان برای ایجاد امنیت در کشورمان ریخته شد، توهین کرد.

کرباسچی در حالی به حمایت از ستاد انتخاباتی بنفش پرداخته که در سال ۱۳۷۷ در دومین سال دوره اول دولت اصلاحات، از سوی قاضی غلامحسین محســـنی‌اژه‌ای به اتهام جرایم مالی محاکمه و به ۳ ســـال حبس و ۱۰ سال محرومیت از مشاغل دولتی و جزای نقدی محکوم شد.

حمایت کرباسچی از کاندیداهای دولت یازدهم در حالی است که جهانگیری نیز در مناظره اول تلویزیونی درباره مقابله با فســـاد مالی و سیستماتیک بیان داشت: «متاسفانه احساس عدم عدالت در کشور بالا رفته است.»

وی افزود: «اینکه فردی موفق می‌شود بیش از ۳/۸ میلیارد دلار از اموال ملت ایران را به جیب بزند، هر کس این خبر را می‌شنود متوجه می‌شود که جامعه به سمت بی‌عدالتی رفته یعنی عده‌ای با فساد و زد و بند به ثروت‌های بادآورده رسیده‌اند و متاسفانه عده‌ای به حداقل‌های زندگی نیاز دارند.»

همچنین به تازگی اسنادی از تخلف اسحاق جهانگیری و فساد میلیاردی وی منتشـــر شده است که نشـــان می‌دهد وی در سال ۹۰ به همین دلیل به انفصال از خدمت محکوم شده است.

شاید بی‌مناسبت نباشد مرور این سروده پرنغز حکیم مولوی که می‌گوید؛

آن یکـــی پرســـید اشـــتر را کـــه هی
از کجـــا می‌آیـــی ای فرخنـــده پـــی
گفـــت از حمـــام گـــرم کـــوی تـــو
گفـــت خـــود پیداســـت از زانـــوی تو

پیش‌بینی بلومبرگ از شکست روحانی او به طبقات پایین رسیدگی نکرد

خبرگزاری بلومبرگ با اظهار نگرانی نسبت به سرنوشت روحانی در انتخابات نوشت ناامیدی مردم از نتیجه برجام می‌تواند منجر به شکست روحانی شود.

این خبرگزاری در گزارشی می‌نویسد: روحانی اگر نتواند دستاورد ملموس توافق هســـته‌ای در رشـــد اقتصادی و ایجاد اشتغال را نشان دهد، با شکست روبرو خواهد شد.

در نظرســـنجی که توسط موسســـه IranPoll انجام شده ۷۲ درصد از پاســـخگویان گفته‌اند که برجام موفق نشـــده که اســـتاندارد زندگی متوسط ایرانیان را ارتقا دهد.

حســـین که یک مغازه عطاری دارد، در دوره پیش به روحانی رای داده، اما در این دوره در نظر دارد به فرد دیگری رای دهد. او می‌گوید کسب و کار در دولت سابق بهتر بود.

بلومبرگ بر اساس آمار صندوق بین‌المللی پول افزود: با وجود رشد اقتصادی نفتی پس از برجام، اقتصاد غیرنفتی که اصلی‌ترین منبع ایجاد شغل است افت کرد. همچنین آمار بیکاری در ایران در ســـال ۲۰۱۶ میلادی به ۱۲/۵ درصد رسید که ۲/۵ درصد نسبت به سال‌های ۱۵-۲۰۱۴ رشد داشته است.

بر اســـاس نظرسنجی IranPoll بیش از ۵۰ درصد پاسخگویان گفته‌اند که دولت بعدی باید روی مســـئله بیکاری تمرکز کند. بر همین اساس، شعار انتخاباتی ابراهیم رئیسی «کار و کرامت» است. او به فاصله طبقاتی و عدم رفع نیازهای ضروری طبقه کم‌درآمد در دولت روحانی معترض است.

عدنان طباطبایی، «مدیر اجرایی ارشد مرکز تحقیقات کاربردی در همکاری با شرق» می‌گوید: «روحانی در رسیدگی به طبقه کم‌درآمد ناموفق عمل کرده است.»

وبســـایت صدای آمریکا نیز با وجود تمجید و تحســـین از روحانی و ادعای اینکه او ســـایه جنگ را از ســـر ایران دور کرد، نوشت: وعده‌های حسن روحانی برای بهبود اوضاع اقتصادی به عمل تبدیل نشده است و این نقطه ضعف او در میان مردم محسوب می‌شود.

دولتمردان محترم! نظر قربانی آویزان کنید تا شما را چشم نزنند

اقتصاد مقاومتی یعنی اینکه وزیر آموزش و پرورش مملکت به واردات- قاچاق یا غیرقاچاق- کالای خارجی مشغول شود؟

داریوش سجادی همکار سابق نشریات اصلاح‌طلب نوشت: عطف به انتشار خبر کشف محموله کالای قاچاق در منزل یک وزیر دولت تدبیر و امید و تعلق آن کالاها به صبیه محترمه آن وزیر، مشاهده شد وزیر دادگستری به میدان آمده و ضمن اثبات قاچاق نبودن کالاهای مزبور از کسی که چنین اتهامی را متوجه دولت تدبیر و امید کرده خواسته از مردم و هیئت دولت عذرخواهی کند.

آقایان ظاهرا اصرار بر اثبات بی‌مرزی بی‌شرمی دارند! گیریم کالاهای مزبور قاچاق نبوده و با طی مراحل دقیق قانونی وارد کشـــور شـــده، اما شایسته است دولتمردان کابینه کم‌فروغ تدبیر و امید بفرمایند این خاصه خرجی‌ها را با کدام مجوزی چنین گشاده‌دســـتانه و با ثمن بخـــس خدمت اقارب خود صله‌فرمایی می‌فرمایید!؟

دختر خانم جناب وزیر بر اســـاس کدام شایستگی توفیق این را دارند تا از جوار اعتبار «بابایی» بتوانند واردکننده البســـه کودکان به ایران شوند؟ آیا این امتیاز برای دخترخانم‌های همه «بابایی»های بی‌نام و نشان مملکت هم موجود و در دسترس هست یا فقط صبیه محترمه جناب وزیر هستند که از جوار اعتبار ددی محترم‌شان می‌توانند اقدام به بیزینس در چنین اندازه‌هایی بفرمایند؟

گذشـــته از آنکه شرم‌تان نمی‌شـــود وقتی رهبری دو سال است بر اقتصاد مقاومتـــی تاکید می‌کنند و بر تولیـــدات داخلی اصرار می‌کنند و آنگاه حضرات دولتی، تخـــم دوزرده فرموده و در کمال بی‌آزرمی اهتمام عالیه خود را به وارد کردن پوشـــک و تنبان بچه و سیسمونی و اســـباب و ادوات آن از بلاد خارجه مصروف می‌فرمایند!؟

دولتمـــردان کابینه تدبیـــر و امید اکنون که چنیـــن خردورزانه ملکداری می‌کنند مســـتدعی است حجت را تمام کرده و به منظور مصون ماندن از گزند شورچشمان خود را مسلح به خرمهره نیز بفرمایند تا خدای نکرده چشم‌زخمی متوجه ایشان نگردد!

پیش‌بینی تحلیلگر اندیشکده رند از انتخاب رئیس جمهور جدید به جای روحانی

تحلیلگر اندیشکده آمریکایی رند می‌گوید روحانی به خاطر کارنامه اقتصادی نامطلوبش ممکن است در انتخابات ریاست جمهوری ایران شکست بخورد.

به گزارش پایگاه اینترنتی ریبل کلیر ورلد، علیرضا نادر تحلیلگر ارشد سیاست بین‌المللی در اندیشکده رند ضمن بررسی انتخابات ایران نوشت: «حسن روحانی» شاید به اندازه رؤسای جمهوری قبلی برای به عهده گرفتن یک دوره چهارساله دیگر وظایف رئیس‌جمهوری ایران، خوش اقبال نباشد. او هر چند توافق هسته‌ای را امضا کرد اما تضمینی وجود ندارد که وی برای بار دوم رئیس‌جمهور ایران شود.

این تحلیلگر با اشـــاره به نامزدی سیدابراهیم رئیسی می‌نویسد: مردم تحت فشار هستند و ممکن است پذیرای نامزدهای جدید باشند؛ روحانی به وعده‌های خود عمل نکرده اســـت و مردم ایران برای مقابله با این وضعیت مأیوس‌کننده ممکن است به نامزدی جدید و ناشناخته رأی دهند.

از سال ۱۹۸۱ هیچ رئیس جمهوری در ایران در راه یافتن به دوره دوم ریاست جمهوری شکست نخورده، اما شاید روحانی خوش‌اقبال نباشد.

بازتاب جهانی اعتراض کارگران به روحانی

اعتراض گســـترده کارگران معدن در استان گلستان به روحانی و مجبور شدن وی به ترک محل، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های خارجی داشته است.

بیش از ۴۰ کارگر در اثر ریزش معدن زمســـتان یورت آزادشـــهر واقع در استان گلستان جان باختند. روحانی با چند روز تاخیر به محل حادثه رفت اما با اعتراض کارگران مصیبت‌دیده مواجه شد.

یکی از کارگران با لحنی دردمندانه به وی گفت؛ «آمدن شما دیگر فایده ندارد. حالا که ۴۰ نفرمان را از دست دادیم، یادتان افتاده آمدید اینجا؟ پارسال رفتیم فرمانداری اعتراض کنیم؛ یعنی متوجه نشدی؟! ما فرماندار و بخشدار و اســـتاندار نداریم... من دلم درد دارد، بگذارید حرفم را بزنم. من دلم داغ دارد، ۴۰ نفر همه‌شان مرده‌اند. آقای رئیس‌جمهور تا الان کجا بودید؟ بزار من درد دلم را بگویم، او دیگر نمی‌آید اینجا...»

پس از این سخنان، اعتراض گسترده‌تر شد و خودروی روحانی با زحمت، محل را ترک کرد. در پی این حاد